

اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران قاجار (از آغاز حکومت تا انقلاب مشروطه)

مقدمه

ایرانیان دارای پیشینه فرهنگی و تمدنی عظیم و برجسته‌ای هستند. برخورد و ارتباط گسترده‌ای که در عصر قاجار میان کشور ما و کشورهای اروپایی رخ داد، شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار داد. در این درس اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران و دگرگونی‌های آن، از تشکیل حکومت قاجار تا انقلاب مشروطه بررسی و تحلیل می‌شود.

اوضاع اجتماعی

الف) ترکیب جمعیتی: جمعیت ایران که در ابتدای دوران قاجار، در حدود ۵ تا ۶ میلیون نفر تخمین زده می‌شود، در پایان آن دوره به حدود ۱۲ میلیون نفر رسید. حدود ۴۰٪ این جمعیت را ایلات و عشایر، ۴۰٪ دیگر آن را روستاییان و ۲۰٪ باقیمانده را شهرنشینان تشکیل می‌دادند. از شهرهای مهم این دوره می‌توان تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز، کرمان و کاشان را نام برد. در عصر قاجار نیز همانند دوران پیش از آن، ساکنان ایران زمین را گروه‌ها و اقوام گوناگونی تشکیل می‌دادند. اگرچه برخی تفاوت‌های زبانی و مذهبی در میان این اقوام وجود داشت، اما همه آنها خود را ایرانی می‌دانستند و به فرهنگ و تاریخ ایران دلبستگی و علاقه بسیار داشتند.

ب) قشرها و سلسله مراتب اجتماعی: در شهرها روحانیون، شاهزادگان، فرماندهان نظامی، زمینداران بزرگ، دیوانیان و بازرگانان از جایگاه و منزلت بالایی برخوردار بودند. در مرتبه بعدی اصناف و پیشه‌وران جای می‌گرفتند.

در رأس نهاد روحانیت، مجتهدان قرار داشتند که قدرت معنوی و نفوذ اجتماعی آنان حتی از پادشاهان قاجار نیز برتر بود. آنان در مقابل ظلم و ستم مأموران حکومتی از مردم دفاع می‌کردند و منزلشان پناهگاه افراد مظلوم و بی‌پناه بود. از مجتهدان معروف این دوره می‌توان میرزا ابوالقاسم قمی، میرزا محمد علی بهبهانی و میرزا حسن آشتیانی را نام برد.



خانواده‌ای زرتشتی در دوره قاجار

ایجاد کارخانه‌های صنعتی نیز قشر جدید کارگران را به جمعیت شهری ایران افزود. همچنین در برخی شهرها اقلیت‌های دینی زرتشتی، مسیحی و یهودی در محله‌های مخصوص به خود زندگی می‌کردند.

اگرچه مردان جایگاه و نقش اجتماعی و اقتصادی شاخص‌تری در خانواده و جامعه داشتند، اما این مطلب به معنای عدم حضور زنان در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی نبود. برخی زنان حرمسرا صاحب قدرت و نفوذ فراوان بودند. به علاوه زنان شهری در جنبش‌های اجتماعی و فکری و فرهنگی حضور مؤثری داشتند.

در روستاها نیز بالاترین مرتبه و جایگاه اجتماعی از آن کدخدا بود که معمولاً از بین افراد با تجربه و متمدن مورد تأیید حکومت انتخاب می‌شد. در جامعه عشایری نیز رؤسای ایل، قبیله، طایفه و خاندان‌ها، قدرت و نفوذ سیاسی و اجتماعی بسیاری داشتند و تقریباً همه امور عشایر زیر نظر مستقیم آنها انجام می‌شد.

ج) جنبش‌های اجتماعی: شکست‌های سیاسی و نظامی حکومت قاجار از دولت‌های روسیه و انگلستان در دوران فتحعلی شاه تا ناصرالدین شاه، انعقاد قراردادهای ننگین و نیز دخالت‌های آشکار آنها در امور داخلی ایران، خشم و نفرت مردم ایران را برانگیخت. ایرانیان هرگاه بهانه و فرصت مناسبی به‌دست می‌آوردند، اعتراض و نارضایتی خود را نسبت به سیاست‌های استعماری انگلستان، روسیه و عوامل آنها نشان می‌دادند.

مهم‌ترین این جنبش‌ها، اعتراض‌هایی بود که نسبت به دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران و مخصوصاً واگذاری امتیازات اقتصادی به دولت‌های استعماری بروز کرد. اعتراض به امتیاز رویتر و نهضت تنباکو از جمله چنین جنبش‌هایی است.

۱- اعتراض به امتیاز رویتر: در زمان ناصرالدین شاه و با تلاش میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم وقت، امتیاز بهره‌برداری از منابع طبیعی ایران به فردی انگلیسی به نام رویتر واگذار شد. مردم ایران به رهبری حاج ملا علی کنی به شدت نسبت به چنین امتیازی اعتراض کردند؛ دولت روسیه نیز در رقابت با انگلستان با آن امتیاز به مخالفت پرداخت. در نتیجه تشدید اعتراض‌ها و مخالفت‌ها، شاه، امتیاز را لغو و صدراعظم را نیز برکنار کرد.

۲- مخالفت با قرارداد تالبوت: در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا، فردی انگلیسی به نام تالبوت، امتیاز خرید و فروش توتون و تنباکوی ایران را با دادن هدایای بسیار به شاه و همراهان او به دست آورد.^۱ مأموران و کارمندان شرکتی که تالبوت به اسم رژی در ایران تأسیس کرده بود، علاوه بر بازاریابی، به تبلیغ مسیحیت و ساختن کلیسا پرداختند. آنان برخلاف مفاد قرارداد رفتار بسیار بدی را با کشاورزان و تجار ایرانی در پیش گرفتند. بازرگانان نیز از پیامدهای اقتصادی امتیاز رژی بسیار ناخشنود بودند. آیت الله سید علی اکبر فال اسیری در شیراز، آیت الله میرزا جواد آقا مجتهد در تبریز و میرزا حسن آشتیانی در تهران در مخالفت با واگذاری امتیاز قیام کردند. سید جمال الدین اسدآبادی نیز با نگارش نامه‌ای به آیت الله میرزا حسن شیرازی، مرجع نامدار شیعیان در نجف، خطر امتیاز رژی را به ایشان یادآور شد. این مرجع تقلید در ابتدا پیامدهای زیان‌بار امتیاز مذکور را به ناصرالدین شاه گوشزد کرد، اما به سبب بی‌اعتنایی شاه به آن موضوع، حکم تحریم توتون و تنباکو را به این شرح صادر کرد:

**«الیوم استعمال توتون و تنباکو بآی نحو کان در حکم محاربه با
امام زمان عجل الله تعالی است.»**

این فتوا به سرعت در نقاط مختلف ایران منتشر شد و همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از آن تبعیت کردند. حتی زنان حرمسرا نیز به تبعیت از حکم شرعی مرجع تقلید، قلیان‌ها را شکستند. با اوج گرفتن جنبش، ناصرالدین شاه مجبور به لغو امتیازنامه و پرداخت غرامت و خسارت به تالبوت شد.

۱- امتیاز توتون و تنباکو به دلیل نام‌گیرنده امتیاز، به امتیاز تالبوت و به سبب شرکت رژی که برای اجرای مفاد امتیازنامه تأسیس

شد، به امتیاز رژی معروف شد.



تصرف مرکز رژی در تهران توسط تعدادی از روحانیون و تجار

جنبش تنباکو نتایج سیاسی و اجتماعی مهمی داشت :

۱- حضور اقشار مختلف اجتماعی، به ویژه زنان در جنبش تنباکو موجب اتحاد بیشتر قشرهای مختلف مردم شد.

۲- جنبش تنباکو اولین حرکت جدی مردم ایران در رهایی از استبداد داخلی و وابستگی خارجی بود.

۳- این جنبش زمینه و شرایط را برای شکل گیری نهضت مشروطه فراهم آورد.

افزون بر اعتراض ها و جنبش های مذکور، کمبود و گرانی مواد غذایی از جمله نان نیز بارها موجب شورش های اجتماعی در شهرها شد. یکی از این اعتراض های مردمی در اصفهان، موقعیت شاهزاده ظل السلطان را به مخاطره انداخت.

علاوه بر اینها، در عصر قاجار برخی از فرقه های مذهبی نیز موجب آشوب و بلوایی در کشور شدند. دولت های استعماری، مخصوصاً انگلستان در این آشوب ها نقش مستقیم یا غیرمستقیم داشتند. از آن جمله آشوب رهبر فرقه اسماعیلیه (آقاخان محلاتی) و فتنه سید علی محمد باب بود که برای مدتی در زمان محمد شاه و ناصرالدین شاه، حکومت قاجار را به خود مشغول کرد.

اوضاع اقتصادی

الف) فعالیت های اقتصادی

۱- کشاورزی : با وجود برخی اقدامات عمرانی مانند احداث قنات ها و نهرها در دوره قاجار، اوضاع کشاورزی ایران چندان مساعد نبود. جنگ های ایران و روسیه و از دست دادن بخشی از بهترین زمین های کشاورزی در قراردادهای گلستان و ترکمانچای نیز شرایط کشاورزی ایران را بدتر کرد. با

این حال کشاورزی مهم‌ترین فعالیت اقتصادی در ایران به‌شمار می‌رفت که عمدتاً توسط روستائینان انجام می‌شد. عمده محصولات کشاورزی شامل: گندم، جو، پنبه، انواع میوه، برنج، ابریشم، توتون و تنباکو بود.

بیشتر زمین‌های مرغوب و حاصلخیز در اختیار حکومت قاجار، خاندان سلطنتی، صاحب منصبان دولتی و فرماندهان نظامی بود. بخش وسیعی از زمین‌های کشاورزی نیز وقف شده بودند. کشاورزان به ندرت مالک زمین بودند، اکثر آنان روی زمین‌های حکومتی، اربابی و وقفی کار می‌کردند و سهم کمی از محصول نصیب آنان می‌شد.

کمیود سرمایه، نبود ماشین‌آلات کشاورزی مناسب، نظام آبیاری نامناسب، وقوع خشکسالی، بی‌قانونی و اجحافات مالیاتی، از مهم‌ترین علل کندی پیشرفت کشاورزی در عصر قاجار بود.

۲- دامداری: شغل اصلی جامعه ایللیاتی و عشایری دامداری بود. عشایر علاوه بر تأمین نیازهای غذایی، از مو و پشم دام‌ها نیز فرش، پارچه و چادر می‌بافتند. آنها مازاد مصرف خود را به روستاییان و شهرنشینان می‌فروختند.

۳- صنعت: پس از سقوط حکومت صفویه، صنایع دستی ایران نیز رو به افول نهاد. در دوران حکومت قاجار به دلیل ورود بی‌رویه کالاهای اروپایی، بخش مهمی از صنایع کارگاهی و دستی ایران، مخصوصاً صنایع بافندگی و نساجی دچار رکود و سپس نابودی شد. در این میان فقط صنعت قالی‌بافی ایران به دلیل کیفیت طرح و بافت و نبود نمونه خارجی مشابه، همچنان رونق و مشتریان داخلی و خارجی خود را حفظ کرد.



رونق صنعت قالی‌بافی در دوره قاجار

قالیچه ابریشمی بافت کاشان
متعلق به دوره قاجار

البته در نتیجه اقدامات امیرکبیر چندین کارخانه نساجی، کاغذسازی، شیشه‌گری، سفال‌سازی و تفنگ‌سازی در ایران تأسیس شد.

۴- تجارت: بازرگانی و تجارت با ثبات و امنیت داخلی و بین‌المللی رابطه مستقیم داشت. در عصر قاجار، بازرگانی ایران به دلیل وجود امنیت نسبی در داخل کشور و گسترش انقلاب صنعتی اروپا روند صعودی یافت. در ابتدای دوره قاجار، انگلستان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران بود. در نیمه دوم قرن ۱۳ق/۱۹م. روسیه به سبب امتیازاتی که در قرارداد ترکمانچای و پس از آن از ایران گرفت، نفوذ اقتصادی خود را در کشور ما افزایش داد و تبدیل به شریک اصلی تجاری ایران شد. صادرات ایران در آن دوره بیشتر محصولات کشاورزی، تولیدات دامی، پارچه و قالی بود. تجهیزات نظامی، برخی فلزات مانند طلا و نقره، قند و چای، نیز از مهم‌ترین کالاهای وارداتی ایران به شمار می‌رفتند.

ب) راه‌ها و وسایل حمل و نقل

راه‌های اصلی ایران در دوره قاجار عبارت بود از:

- ۱- قسمتی از راه ابریشم یعنی راه تبریز به مشهد از طریق قزوین، تهران و نیشابور
 - ۲- راه‌های ارتباطی تهران به خلیج فارس از طریق قم و کاشان، و دیگری از طریق اصفهان و شیراز به بندر بوشهر
 - ۳- راه ارتباطی تهران به دریای خزر از طریق قزوین و رشت
 - ۴- راه ارتباطی تهران به بغداد از طریق همدان و کرمانشاه
- ایران در دوره قاجار، فاقد راه آهن بود. رقابت‌های استعماری دولت‌های روسیه و انگلیس مانع اساسی بر سر راه ایجاد و گسترش راه آهن در ایران به شمار می‌آمد. یکی از بزرگ‌ترین موانع و



حمل و نقل در عصر قاجار

مشکلات حکومت قاجار در توسعه حمل و نقل دریایی، نداشتن کشتی و وضع نامساعد بنادر ایران بود. ناصرالدین شاه پنهان از چشم روس‌ها و انگلیسی‌ها، قرارداد ساخت دو کشتی به نام پرسپولیس و شوش را با یک شرکت آلمانی منعقد کرد.

ج) منابع درآمد حکومت قاجار

منابع درآمد حکومت قاجار را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد :

۱- مالیات مستقیم و غیرمستقیم

الف) مالیات بر زمین‌های کشاورزی

ب) مالیات بر احشام و اغنام و کسبه و اهل حِرَف

۲- درآمدهای دیگر

الف) فروش حکومت ایالات و منصب‌های اداری

ب) عوارض گمرک، پستخانه و ضرابخانه

ج) دادن امتیازات اقتصادی به بیگانگان

د) مصادره اموال ثروتمندان و مقامات و مأموران حکومتی

بخشی از درآمدهای جمع‌آوری شده در ایالات مصرف و بقیه به مرکز فرستاده می‌شد که با کسر هزینه‌های حرمسرا، حقوق شاهزادگان، وزراء، دیوانیان و نظامیان، چیز زیادی از آن باقی نمی‌ماند تا در خزانه سلطنتی ذخیره شود. به همین دلیل حکومت قاجار همواره نیازمند وام گرفتن از بانک شاهنشاهی انگلستان و بانک استقراضی روسیه بود.^۱

د) پول در دوره قاجار

در ابتدای عصر قاجار پول رایج در ایران سکه‌هایی از جنس طلا، نقره، مس و نیکل بود که بر پشت و روی آن تصویر و نام و القاب شاه وقت، حک می‌شد. امتیاز ضرب سکه طلا در اختیار شاه بود، اما سکه‌های نقره و مسی در شهرهایی مانند شیراز، اصفهان، تبریز و مشهد هم ضرب می‌گردید و هر کدام ارزش و اعتبار خاصی داشت. با این حال ارزش پول در طول دوران حکومت قاجار سیر نزولی یافت و موجب رکورد



سکه عصر محمد شاه قاجار

۱- عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ص ۵۸۵.

تجارت و فقر بیشتر مردم شد. واحد پولی نیز به ترتیب تومان، قران و شاهی بود. یک تومان معادل ده قران و یک قران معادل بیست شاهی به حساب می آمد.

اوضاع فرهنگی

ایرانیان در طول تاریخ کهن خود به عنوان ملتی متمدن، با فرهنگ و صاحب ادب و هنر شناخته شده اند. فرهنگ و ادب ایرانی همواره تابع اصول اخلاقی و باورهای دینی بوده و دین یکی از عوامل هویت بخش به شمار می رفته است.

الف) تربیت و پرورش

۱- خلق و خوی مردم: در عصر قاجار تربیت خانوادگی با هدف آشنا کردن کودکان با تکالیف شرعی، اصول اخلاقی و مهارت شغلی انجام می گرفت. پدر و مادر اولین آموزگاران فرزندان خود بودند. پسر علم و فن را از پدر می آموخت و دختر نیز رموز و فنون خانه داری را از مادر کسب می کرد. مساجد کانون تربیت اخلاقی و دینی به شمار می آمدند. بیشتر افراد جامعه علاقه مند بودند تا صفات خوب انسانی مانند رحم و مروت و حمایت از بینوایان را در خود شکوفا کنند. اعتماد مردم به یکدیگر نیز به حدی بود که معاملات کوچک و بزرگ فقط با قول و قرار زبانی انجام می شد. البته در کنار اعتقادات اصیل، باورهای غلط و اوهام و خرافات نیز رواج داشت.

۲- پوشاک و لباس: لباس یکی از بارزترین جلوه های فرهنگی هر جامعه است. در دوره قاجار، لباس نه تنها بیانگر شخصیت فرد بود، بلکه جایگاه و مرتبه اجتماعی او را نیز مشخص می کرد. پوشاک ایرانیان در آن دوره عموماً شامل لباس های سنتی و بسیار زیبا و متنوع بود که از پارچه های داخلی تهیه می شد. در نتیجه گسترش ارتباط و رفت و آمد به اروپا، به تدریج مدل های لباس فرنگی در میان گروه هایی از مردم به ویژه در شهرها رواج پیدا کرد.

یک توضیح



لباس مردان ثروتمند شامل پیراهنی از پارچه حریر و ابریشم ریزبافته، شلوار گشاد و شال کشمیری بود. نظامیان و گاه افراد عادی دشنه ای را نیز در شال قرار می دادند، ولی بازرگانان و قاضیان و بازاریان به جای دشنه از قلمدان استفاده می کردند. پیراهن مردان فقیر از جنس پنبه و اغلب راه راه بود. روی پیراهن یک جلیقه می پوشیدند که از کتان ساده تهیه می شد.



پوشش زنان عصر قاجاری

عبایی نیز بر روی این جلیقه پوشیده می‌شد که تا قوزک پا می‌رسید. کفش مردان عادی نوعی نعلین بود که از چرم ساخته می‌شد، ولی در باریان در زمستان از کفش ساخته شده از چرم اسب استفاده می‌کردند. پیراهن خانم‌ها نیز از کتان و یا ابریشم بود که با بندهای متعدد و یادکمه‌های زرین بسته می‌شد. در بیرون از خانه از چادر استفاده می‌شد و صورت نیز با روبندی که به پیشانی‌گره می‌خورد، پنهان می‌شد. البته این سبک حجاب مخصوص زنان شهری بود و زنان روستایی و عشایری و اقلیت‌های دینی بدون چادر و روبند رفت و آمد می‌کردند.

۳- جلوه‌های شادی و غم: ایرانیان همواره به سنت ملی و مذهبی خویش وفادار مانده‌اند. آنان علاوه بر گرامیداشت جشن نوروز و دیگر سنت‌های باستانی مانند شب یلدا که ریشه در گذشته باشکوهشان دارد، اعیاد مذهبی مانند عید فطر و عید قربان را نیز جشن می‌گرفتند. مجالس و مراسم



جشن نیمه شعبان مردم کرمان در دوره قاجار



مراسم تعزیه خوانی در دوره قاجار

عزا نیز با احترام انجام می شد. در عصر قاجار نیز همانند دوره های پیش از آن، مراسم سوگواری امام حسین (ع) در قالب روضه خوانی و تعزیه خوانی برگزار می گردید. حمایت علمای بزرگ و برخی از شاهان قاجار از تعزیه، موجب رونق آن آیین مذهبی در ایران شد. گسترش تعزیه و احیای مفاهیمی مانند شهادت، شجاعت و ایثار در راه خدا، نقش بسزایی در رشد فرهنگ دینی و پیوند آن با فرهنگ عامیانه داشت.



عزاداری مردم تهران در روز عاشورا در دوره قاجار

ب) آموزش و مراکز آموزشی

۱- مکتب‌خانه: مکتب‌خانه اولین مرکز یادگیری و آموزش در ایران بوده است. مکتب‌خانه‌های اولیه در مسجد، دکان و یا خانه دایر می‌شدند. معمولاً کودکان از سن ۶-۵ سالگی حق ورود به مکتب‌خانه را داشتند.

دورهٔ تحصیل در مکتب‌خانه متفاوت بود. ولی معمولاً کودکان و نوجوانان تا پانزده سالگی در مکتب‌خانه تعلیم می‌دیدند. در دورهٔ قاجار دو نوع مکتب‌خانه وجود داشت:

الف) مکتب‌خانه‌های عمومی که پذیرای کودکان و نوجوانان از همه اقسام جامعه بود.

ب) مکتب‌خانه‌های خصوصی که در خدمت فرزندان افراد ثروتمند و صاحب‌مقام بود.



مکتب‌خانه دورهٔ قاجار

۲- اعزام دانشجویان به خارج: پس از شکست‌های سیاسی و نظامی حکومت قاجار از دولت‌های

اروپایی و بروز نشانه‌های عقب‌ماندگی علمی و فنی ایران نسبت به اروپا، عباس میرزا ولیعهد فتحعلی‌شاه در صدد چاره‌جویی برآمد. بنابراین، در چندین نوبت تعدادی از فرزندان خانواده‌های سرشناس را برای تحصیل علوم و فنون نظامی، علوم طبیعی و پزشکی، مهندسی، کاغذسازی و چاپ به کشورهای انگلستان، فرانسه و روسیه اعزام کرد. محمد شاه نیز سیاست پدر را در اعزام دانشجویان ایرانی به اروپا برای کسب مهارت‌های علمی و فنی ادامه داد. در آن زمان برای اولین بار عده‌ای از خانواده‌های ثروتمند پسران خویش را با هزینهٔ شخصی برای تحصیل به اروپا فرستادند.

۳- مدارس جدید : در دوره محمدشاه

نخستین مدارس به سبک جدید توسط مسیونرهای آمریکایی و سپس فرانسوی در ایران تأسیس شد. به مرور تعداد این مدارس افزایش پیدا کرد.

۴- مدرسه دارالفنون : مدرسه دارالفنون

اولین مؤسسه آموزشی جدید بود که توسط حکومت قاجار در ایران تأسیس شد. امیرکبیر این مدرسه را بر اساس نمونه‌هایی که در روسیه و عثمانی دیده بود، طراحی کرد. وی به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه و انگلستان در ایران، چنان برنامه‌ریزی کرد که معلمان و استادان مدرسه مذکور از کشورهای اتریش و فرانسه استخدام شوند. مدرسه دارالفنون به طور رسمی کمی بعد از قتل امیرکبیر در تهران افتتاح شد. هدف از راه‌اندازی دارالفنون آن بود که دانشجویان



مدرسه دارالفنون

ایرانی، علوم جدید را در داخل ایران بیاموزند. شعبه فرعی دارالفنون نیز در تبریز برپا گردید. افزون بر مدرسه دارالفنون، مدارس دیگری نیز در دوره ناصرالدین شاه در ایران تأسیس شدند؛ از آن جمله است مدرسه مشیریه که توسط میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین شاه و با همکاری اعتمادالسلطنه مورخ و مترجم دربار بنیانگذاری شد. در این مدرسه، تاریخ، جغرافیا، ریاضی و زبان‌های اروپایی آموزش داده می‌شد. میرزا حسن رشديه فرزند یکی از علمای تبریز نیز مدرسه رشديه را در تبریز برپا کرد و اولین پایه‌های آموزش ابتدایی را به سبک امروزی بنا نهاد.

ج) علوم و فنون

۱- علوم نظامی : علوم نظامی به نسبت سایر علوم و فنون در عصر قاجار رشد و گسترش

بیشتری یافت. عباس میرزا و امیرکبیر در این زمینه اقدامات زیادی انجام دادند. سپاهیان ایران با نظارت برخی افسران اروپایی علوم و فنون رزمی را آموختند.

۲- ادبیات و تاریخ و هنر : آقا محمدخان، ذوق ادبی و هنر نداشت، اما فتحعلی شاه طبع شعر

۱- مسیونر به عضو یک هیئت مذهبی، به ویژه کسی که برای تبلیغ مسیحیت به کشورهای دیگر می‌رفت، گفته می‌شد.

داشت و به همین دلیل شاعران بزرگی در دورهٔ پادشاهی وی به شعر فارسی غنا بخشیدند. قائم مقام فراهانی وزیر محمدشاه نیز ادیب و نویسنده‌ای زبردست بود. تاریخ‌نویسی نیز در این دوره رونق داشت و مورّخان مشهوری مانند محمدتقی خان لسان‌الملک سپهر، رضا قلی خان هدایت و محمد حسن خان اعتمادالسلطنه آثار ارزشمندی به وجود آوردند. هنر نقاشی و معماری نیز با تأثیرپذیری از دوره‌های قبل و هنر اروپایی به حیات خود ادامه داد. میرزا محمد خان غفاری، ملقب به کمال الملک نقاش مشهور عصر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، هنر نقاشی ایران را به اوج کمال و شکوفایی رساند.

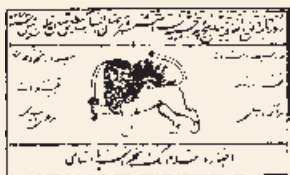


تابلوی رنگ روغن، اردوگاه مبارک آباد تهران اثر محمد غفاری (کمال الملک)، سال ۱۲۹۱ ق

۳- ترجمه و نشر کتاب و روزنامه: قائم مقام فراهانی با حمایت عباس میرزا، نخستین گام‌ها را برای ترجمه و نشر کتاب در ایران برداشت. امیرکبیر نیز در دوران صدارت کوتاه مدت خود، اقداماتی برای ترجمه و نشر کتاب و روزنامه انجام داد. در نتیجهٔ تأسیس دارالفنون و سپس تشکیل دارالترجمه به ریاست محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، فن ترجمه گسترش پیدا کرد و آثار زیادی از زبان‌های اروپایی

به فارسی ترجمه شد. روزنامه نیز یکی دیگر از محصولات فرهنگی ایرانیان بود. اولین روزنامه با عنوان «کاغذ اخبار» توسط میرزا صالح شیرازی در زمان محمدشاه منتشر شد. روزنامه «وقایع اتفاقیه» نیز به همت امیرکبیر منتشر شد و بعداً با عنوان روزنامه «دولت علیه ایران» ادامه نشر یافت. روزنامه‌های «وطن»، «صدای ایران»، «دانش» و «شرف» از دیگر روزنامه‌های مهم دوران سلطنت ناصرالدین شاه و پس از او بودند که در تهران منتشر می‌شدند.

بیشتر بدانیم



روزنامه وقایع اتفاقیه

پس از روزنامه «کاغذ اخبار» که توسط میرزا صالح شیرازی در سال ۱۲۵۳ ق. انتشار یافت؛ امیرکبیر روزنامه «وقایع اتفاقیه» را در سال ۱۲۶۷ ق. منتشر کرد. در روزنامه وقایع اتفاقیه که از شماره ۴۷۲ با نام «روزنامه دولت علیه ایران» منتشر شد، اخبار داخلی شامل خبرهای مربوط به دربار و سفرهای ناصرالدین شاه، عزل و نصب‌ها و اعطای مقام‌ها، نشان‌ها و امتیازات چاپ می‌شد. در برخی شماره‌های آن اعلان‌های رسمی دولتی در ورقه‌ای جداگانه چاپ و همراه روزنامه توزیع می‌شد، که به آن «اشتهارنامه» می‌گفتند. در بعضی شماره‌ها نیز اخبار وقایع شهرهای مختلف ایران به چاپ می‌رسید. در بخش اخبار خارجی، بیشتر اخبار مربوط به کشورهای اروپایی به چاپ می‌رسید. این اخبار از روزنامه‌های اروپایی گرفته می‌شد و با ترجمه روان فارسی در روزنامه منتشر می‌شد.

در بیشتر شماره‌های روزنامه، صورت قیمت اجناس موردنیاز مردم به نرخ رسمی دولتی چاپ می‌شد و در برخی شماره‌های آن، اعلان فروش کتاب‌های تازه چاپ شده منتشر می‌شد. تعداد صفحات روزنامه از چهار تا دوازده صفحه متغیر بود و با چاپ سنگی و خط نستعلیق به چاپ می‌رسید.

- ۱- روحانیون چه جایگاهی در سلسله مراتب اجتماعی ایران در عصر قاجار داشتند؟
- ۲- نقش و جایگاه زنان را در دوره قاجار شرح دهید.
- ۳- دلایل و عوامل بروز جنبش‌های اجتماعی را در دوران حکومت ناصرالدین شاه توضیح دهید.
- ۴- درآمد حکومت قاجار از چه راه‌هایی تأمین می‌شد؟
- ۵- در دوره قاجار چه تغییر و دگرگونی در امر آموزش به‌وجود آمد؟

- ۱- درباره برگزاری جشن نوروز در دوره قاجار مطلبی تهیه کنید.
- ۲- به نظر شما کدام یک از تجربه‌های تاریخی دوران قاجار برای زمان فعلی ما مفید است؟

زمینه‌های انقلاب مشروطیت ایران

مقدمه

یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران که در اواخر سلطنت مظفرالدین‌شاه اتفاق افتاده، «انقلاب مشروطیت» است.

مشروطیت چیست؟ چرا انقلاب مشروطه در ایران رخ داد؟ زمینه‌های فکری، اجتماعی و اقتصادی این انقلاب کدامند؟ اینها پرسش‌هایی هستند که در این درس به دنبال پاسخی برای آنها هستیم.

مشروطیت چیست؟

«مشروطیت»^۱ از نظر لغوی به معنای شرط‌دار شدن یا شرط گذاشتن برای چیزی است. براین اساس، حکومت مشروطه به نوعی از حکومت سلطنتی گفته می‌شود که در آن، برای حکومت کردن شرایطی پیش‌بینی شده باشد. در حکومت مشروطه، حاکم یا پادشاه نمی‌تواند هرکاری را که می‌خواهد به میل خود انجام دهد. در چنین حکومتی، تصمیم‌گیری دربارهٔ امور کشور بر مبنای شرایطی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، انجام می‌شود. در نظام مشروطه، مجلسی مرکب از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و به کار قانون‌گذاری می‌پردازد. نخست‌وزیر و وزیران (هیئت وزیران) که با رأی نمایندگان مجلس انتخاب می‌شوند، ادارهٔ امور کشور را در دست می‌گیرند. در واقع، حکومت مشروطه نقطهٔ مقابل حکومت استبدادی یا فردی است که در آن، پادشاه همه‌کاره است و خود را مالک جان و مال مردم می‌داند.

۱- در این درس، دو اصطلاح «مشروطه» و «مشروطیت» به یک معنا آمده‌اند.

کدام علل و زمینه‌ها موجب وقوع انقلاب مشروطیت شد؟

انقلاب مشروطیت ایران در اواخر سلطنت مظفرالدین‌شاه به وقوع پیوست اما زمینه‌های آن از مدت‌ها پیش به‌ویژه از دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه فراهم شده بود. برای شناخت بهتر این علل و زمینه‌ها، آنها را در چند محور بررسی می‌کنیم.

۱- زمینه‌های فکری انقلاب مشروطه

(الف) آموزه‌های ضداستبدادی و ضداستعماری اسلام

(ب) پیدایش اندیشه‌های نو دربارهٔ حکومت

(پ) انتشار آثار انتقادی در مورد اوضاع ایران

(ت) تأثیر حوادث جهانی بر افکار ایرانیان.

(الف) آموزه‌های ضداستبدادی و ضداستعماری اسلام: در طول تاریخ دورهٔ اسلامی، جنبش‌های عدالت‌خواهانهٔ متعددی شکل گرفته است. این جنبش‌ها و نهضت‌ها غالباً متأثر از تعالیم نجات‌بخش دین اسلام بوده است. یکی از جنبه‌های مهم این جنبش‌های مردمی، مبارزه با سلطه‌طلبی بیگانگان و ستیز با ظلم و ستم فرمانروایان خودکامه بوده است.

در تاریخ دورهٔ معاصر ایران نیز چنین جنبش‌هایی به دفعات اتفاق افتاده است. یک نمونهٔ بارز آن که تا حدود زیادی زمینه‌ساز نهضت مشروطه شد، جنبش تنباکو بود. شرکت آگاهانهٔ مردم در این حرکت ضداستعماری که ناشی از تعالیم اسلام و روشنگری علما بود، پیروزی بزرگی را به ارمغان آورد. این پیروزی به مردم جرئت و جسارت بیشتری بخشید تا بتوانند برای تحقق خواست‌های مشروع خود دست به مبارزه با دولت‌های سلطه‌گر و حاکمان ستمگر بزنند؛ بنابراین در شکل‌گیری نهضت مشروطیت ایران، آموزه‌های ضداستبدادی و ضداستعماری اسلام در به حرکت درآوردن مردم، نقش بسیار مؤثری داشته است.

(ب) ورود اندیشه‌های جدید: در عصری که شاهان قاجار با خودکامگی و استبداد بر ایران فرمان می‌راندند، در تعدادی از کشورهای اروپایی و حتی معدودی کشورهای غیراروپایی مانند مصر و ژاپن نظام‌های حکومتی جمهوری و مشروطه حاکمیت داشت. برخی ایرانیان مهاجر و مسافر به اروپا که بیشتر آنان سیاستمدار و بازرگان بودند، با مقایسهٔ اوضاع ایران با کشورهای مذکور به این نتیجه رسیدند که نوع نظام حکومتی عامل عقب‌ماندگی و یا پیشرفت کشورهاست. از جملهٔ این افراد می‌توان میرزا فتحعلی خان آخوندزاده، میرزا ملکم‌خان و میرزا یوسف خان مستشارالدوله را نام برد که در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه می‌زیستند. اینان که غالباً عضویت در انجمن‌های فراماسونری را در کارنامهٔ سیاسی خود داشتند، در

آثار و نوشته‌های خود ضمن تعریف و تمجید از نظام‌های مشروطه و جمهوری، حکومت مبتنی بر قانون را عامل پیشرفت اروپاییان می‌شمردند. ایراد وارد بر مبلغان اندیشه‌های سیاسی جدید، نادیده گرفتن و یا کم‌توجهی به تفاوت‌های تاریخی جامعه ایرانی و جامعه اروپایی از حیث فرهنگی و اجتماعی بود. البته برخی از آنان مانند آخوندزاده چنان شیفته اندیشه‌های غربی شده بود که پیشنهاد می‌کرد ایرانیان گذشته تاریخی و فرهنگ خود را به فراموشی بسپارند و از فرهنگ و اندیشه‌های اروپاییان تبعیت کامل کنند.

پ) انتشار مطالب انتقادی درباره وضع: پایه‌های تبلیغ و ترویج نظام‌های مشروطه و جمهوری، نوشته‌هایی انتقادی در قالب کتاب و روزنامه توسط ایرانیان در داخل و خارج از کشور انتشار می‌یافت. در این نوشته‌ها، وضع موجود مورد نقد و اعتراض قرار می‌گرفت و حکومت قاجار، عامل عقب‌ماندگی و بدبختی ایران شمرده می‌شد. یکی از این‌گونه نوشته‌ها، کتاب «سیاحت نامه ابراهیم بیگ» اثر بازرگان روشن فکر ایرانی، حاج زین‌العابدین مراغه‌ای بود که در عثمانی (ترکیه) اقامت داشت.

ت) وقوع حوادث جدید در سطح جهان: پیش از انقلاب مشروطیت، حوادث و تحولات مهمی در کشورهای دیگر به وقوع پیوست که رسیدن اخبار آنها به ایران در افزایش آگاهی و اصلاح‌طلبی ایرانیان نقش مؤثری داشت؛ از جمله این‌گونه رویدادها که ملت ایران را به تحرک واداشت و در آنها خودباوری ایجاد کرد، می‌توان به مشروطیت ژاپن، شکست روسیه از ژاپن و انقلاب ۱۹۰۵م. روسیه اشاره کرد.

مشروطیت ژاپن: همزمان با دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، امپراتور ژاپن به ایجاد تحولات اساسی در نظام حکومتی و استقرار مشروطیت در این کشور تن داد. این تحولات که به نام انقلاب میجی معروف شد، سرآغاز دگرگونی اوضاع ژاپن بود و این کشور را به تدریج به مسیر ترقی کشاند. روزنامه‌هایی نظیر «حبل‌المتین» و «حکمت» پیوسته از پیشرفت‌های ژاپن برای خوانندگان ایرانی خود مطالبی می‌نوشتند.

شکست روسیه از ژاپن: در سال ۱۹۰۵م./۱۲۸۳ش. میان دو دولت روسیه و ژاپن که هر دو در پی توسعه نفوذ خود در شرق آسیا بودند، جنگی اتفاق افتاد. در این جنگ، کشور قدرتمند و بزرگ روسیه که دارای نظام استبدادی بود، از کشور ژاپن، که تقریباً دو دهه از عمر نظام مشروطه آن می‌گذشت، شکست خورد. این شکست از اعتبار روسیه در نظر ایرانیان کاست. مردم ایران پیروزی مزبور را نمایشی از عملکرد مناسب نظام حکومتی ژاپن می‌دانستند.

انقلاب ۱۹۰۵م. روسیه: شکست روسیه از ژاپن، برای دولت استبدادی این کشور ضربه بزرگی بود. آزادی‌خواهان روسیه با استفاده از این وضع، بر فعالیت‌های خود برای سرنگون کردن

حکومت استبدادی این کشور افزودند؛ سرانجام، این مبارزات به تأسیس مجلس در این کشور انجامید.^۱ رسیدن اخبار این حرکت انقلابی در برانگیختن ایرانیان علیه حکومت استبدادی قاجاریه نقش مؤثری داشت.

۲- زمینه‌های اقتصادی انقلاب مشروطه

زمینه‌های اقتصادی انقلاب مشروطیت دارای دو بُعد خارجی و داخلی است. دربارهٔ زمینهٔ خارجی، نفوذ و سلطهٔ کشورهای استعماری نظیر روس و انگلیس در دورهٔ قاجاریه نقش بسیار مهمی در تضعیف توان اقتصادی ایران داشت.

عهدنامه‌هایی که در دورهٔ قاجار با این دو کشور منعقد می‌شد، موجب تشدید نفوذ اقتصادی آنها در ایران می‌شد.^۲ ورود کالاهای خارجی به ایران افزایش یافت و این امر پیامدهای متعددی داشت؛ از جمله:

- ۱- محصولات داخلی قادر به رقابت با کالاهای خارجی نبودند و لذا تولید کالاهای داخلی به تدریج سیر نزولی یافت و کالاهای خارجی جایگزین آنها شد.

- ۲- صاحبان صنایع و حرفه‌ها در شهرهای مختلف ایران به تدریج مشاغل خود را از دست دادند و بی‌کار شدند.

در بُعد داخلی با گسترش بی‌کاری و فقر عمومی، درآمد دولت که از طریق مالیات تأمین می‌شد، کاهش یافت. مأموران مالیاتی بر شدت سخت‌گیری و بی‌رحمی خود می‌افزودند. ظلم و ستم مأموران دولت نسبت به روستاییان، موجب شد که شمار زیادی از آنان ناچار به شهرها یا کشورهای همجوار متواری شوند. آواره شدن روستاییان و به غارت رفتن حاصل کار آنان، آثار منفی جبران‌ناپذیری بر کار و تولید گذاشت. از اواخر دوران ناصرالدین شاه، مالیات‌های دریافتی از مردم دیگر تأمین‌کنندهٔ مخارج و هزینه‌های دربار و دولت نبود؛ لذا دولت به فکر گرفتن وام (استقراض) از دو کشور روس و انگلیس افتاد. در ازای وام‌های دریافتی که با بهرهٔ بالایی به ایران داده می‌شد، منابع ملی کشور به عنوان پشتوانه به بیگانگان واگذار می‌شد. وام‌های دریافتی به هیچ‌وجه صرف عمران و آبادی ایران نمی‌شد بلکه عمدتاً در سفرهای خارجی صرف تفریح ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و اطرافیان آنها می‌شد. این در حالی بود که در بسیاری از شهرها، مردم قادر به تأمین نیازهای اولیهٔ زندگی خود نبودند. وام‌های خارجی، ایران را بیش از پیش مقروض‌تر و به دولت‌های بیگانه وابسته‌تر می‌کرد.

۱- البته کمی بعد، پادشاه روسیه این مجلس را تعطیل و با سرکوب مشروطه‌خواهان، بار دیگر حکومت استبدادی را برقرار کرد. یازده

سال بعد، بار دیگر انقلاب روسیه را فراگرفت و موجب سقوط حکومت این کشور شد.

۲- برای مثال نگاه کنید به قراردادهایی که در درس ۱۵ به برخی از آنها اشاره شده است.

شرایط دشوار و غیر قابل تحمل اقتصادی که معلول سلطه اقتصادی بیگانگان و سوء سیاست دولتمردان ایران بود، زمینه‌های انتقاد و اعتراض مردم را نسبت به استبداد و استعمار فراهم آورد.

پادشاهی مظفرالدین‌شاه؛ ایران در آستانه تحول

ناصرالدین شاه در آستانه پنجاهمین سال سلطنت خود توسط میرزا رضا کرمانی مورد هدف قرار گرفت و کشته شد. با قتل وی، پسرش مظفرالدین میرزا به سلطنت رسید. در دوره سلطنت ناصرالدین شاه، زمینه‌های بیداری مردم به تدریج فراهم شد و در دوره سلطنت مظفرالدین شاه، ایران دچار یک تحول سیاسی شد.



مظفرالدین شاه قاجار و جمعی از درباریان

مظفرالدین شاه طبعی متفاوت با پدرش داشت. وی فردی نرم‌خو و ناتوان از اداره امور کشور بود. نرم‌خویی مظفرالدین شاه بیشتر به سود مخالفان داخلی و سودجویان خارجی تمام می‌شد و در عمل، گسیختگی بیشتری را در اداره کشور به وجود آورد. مخالفان داخلی، این وضع را برای تأمین خواسته‌های خود مناسب می‌دیدند و بیگانگان آن را زمینه‌ای مساعد برای گسترش حضور و سلطه خود در ایران تلقی می‌کردند.

مظفرالدین شاه حتی در جریان بسیاری از این امور قرار نمی‌گرفت و از بدبختی‌های مردم آگاهی نداشت؛ چرا که نه خود پیگیر مسائل کشور بود و نه اطرافیانش اجازه می‌دادند که اخبار به او برسد. گاهی هم که خبرهایی از نارضایتی مردم به او می‌رسید، به دادن بعضی وعده‌ها به مردم بسنده می‌کرد. عین‌الدوله که صدراعظم و داماد شاه بود، اعتقاد داشت که نباید به اعتراض‌های مردم توجه کرد. سرانجام رفتارهای او وقوع انقلاب را اجتناب‌ناپذیر کرد. در ابتدا، چند حادثه محدود اتفاق افتاد اما بی‌تدبیری

و برخورد استبدادی صدراعظم و دیگر عاملان حکومت، موجب گسترش این حوادث و فراگیر شدن حرکت مردم از سال ۱۳۲۳ق/ ۱۲۸۴ش. شد.



عبدالمجید میرزاعین الدوله

بیشتر بدانیم

فراماسونری

فراماسون^۱ اصطلاحی اروپایی و به معنای «بنای آزاد» است. حدود پنج قرن پیش گروهی از بناهای روزمزد برای رفع مشکلات خود، به تشکیل انجمن‌هایی اقدام کردند. آنها از دولت‌ها بیم داشتند و برای همین بود که تشکیلاتی مخفی برای انجمن‌های خود به وجود آوردند و سعی می‌کردند افراد دیگر از کارها و مباحث آنها آگاه نشوند. از قرن هجدهم میلادی به تدریج نحوه عمل بنایان در ایجاد «انجمن فراماسون‌ها» توجه گروه‌های دیگر از جمله سیاستمداران و تحصیل‌کردگان را نیز به خود

۱- Free Mason

جلب کرد و به زودی چندین انجمن فراماسونی در کشورهای مختلف اروپایی شکل گرفت. این انجمن‌ها مدعی تلاش برای اتحاد همهٔ افراد بشر بودند اما کم‌کم حکومت‌ها نیز در آنها نفوذ کرده و بعضی از آنها را به ابزاری برای دستیابی به اهداف خود تبدیل کردند. از جمله این که استعمارگران برای غارت ملت‌ها و از بین بردن مخالفان خود از این انجمن‌ها بهره بردند. انجمن‌های فراماسونری همچنین به اعتقادات دینی توجهی نداشتند و در واقع برای دین اعتباری قائل نبودند؛ بدین ترتیب، فراماسونری در قرن نوزدهم میلادی با تشکیلات نخستین آن بسیار متفاوت بود. با این همه به دلیل مخفی‌کاری فراماسون‌ها و شعارهای فریبندهٔ آنان، حتی عده‌ای از افرادی که در عمل با کارهای این انجمن‌ها موافق نبودند، از سر کنجکاو یا برای رسیدن به بعضی اهداف خود متوجه آنها شدند. سابقهٔ آشنایی ایرانیان با فراماسونری به اوایل دورهٔ قاجار برمی‌گردد. اولین فراماسون ایرانی «میرزا عسگرخان ارومی افشار» فرستادهٔ فتحعلی‌شاه به دربار ناپلئون بود که در سال ۱۸۰۸ م. به عضویت انجمن فراماسونری انگلستان در فرانسه درآمد. از آن پس، تشکیلات فراماسونی متعددی در ایران پدید آمد. در دوران ناصرالدین شاه و اواخر دورهٔ قاجار با تلاش سفارت انگلیس و عوامل آنها و ورود شاهدگان به تشکیلات فراماسونری، این تشکیلات از حمایت دربار برخوردار شد و زمینه برای دخالت مستقیم سفارت‌خانه‌های بیگانه از طریق برگزاری جلسات مشترک و سری فراماسون‌ها فراهم گردید. افرادی مانند میرزا ملکم‌خان که از مؤسسان و فعالان این تشکیلات بودند، بعدها نقش مهمی در جریان‌های سیاسی ایران و دنباله‌روی از اروپاییان برعهده گرفتند. همزمان، علمای دین به مقابلهٔ آنان و روشنگری مردم برخاستند. آیت‌الله ملا علی کنی فتوا به تکفیر فراماسون‌ها داد و مردم تهران فراموش‌خانه (مرکز تشکیل جلسات سری فراماسون‌ها) را به آتش کشیدند.

در دوران حکومت خاندان پهلوی نیز تشکیلات فراماسونری در کشور ما توسعه یافت تا آنجا که بسیاری از کارگزاران حکومتی و حتی گروهی از نمایندگان مجلس از اعضای انجمن‌های فراماسونری بودند. در این دوران، تشکیلات فراماسونری بیشتر در جهت تثبیت حکومت پهلوی و تأمین منافع بیگانگان فعالیت می‌کرد و در عین حال موجب گسترش بی‌دینی می‌شد. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران اطلاعات تازه‌ای دربارهٔ وابستگی‌های فراماسون‌ها به بیگانگان و حتی هم‌دستی بعضی از آنان با صهیونیست‌ها به دست آمد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- خواندید که در آستانه مشروطیت، اندیشه‌های تازه‌ای درباره حکومت در ایران رواج یافت؛ این اندیشه‌ها در بردارنده چه پیام‌هایی بودند؟
- ۲- دو تن از کسانی را که با گفته‌ها یا نوشته‌های خود در ترویج مشروطه‌خواهی نقشی داشته‌اند، نام ببرید.
- ۳- تأثیرات حوادث جهانی (قرن نوزدهم) بر بیداری ایرانیان چگونه بود؟ توضیح دهید.

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- با راهنمایی معلم خود، درباره دیگر افرادی که در انقلاب مشروطیت نقش فعال داشته‌اند، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- اگر از شما بخواهند سه مورد از حوادث یا جریان‌های تاریخی درس‌های ۱۴ تا ۱۷ را به عنوان مهم‌ترین حوادث انتخاب کنید، کدام‌ها را انتخاب خواهید کرد؟ با مروری بر درس‌ها، این موارد را بنویسید. باید توجه داشته باشید که تأثیرگذاری بر حوادث بعدی، اشخاص و اجتماع، مهم‌ترین ملاک این انتخاب است.

انقلاب مشروطیت ایران

مهاجرت صغرا

اعتراضات مردم نسبت به اوضاع نابسامان کشور با رهبری علما که در رأس آنها آیت الله طباطبایی و آیت الله بهبهانی قرار داشتند، روز به روز گسترش می‌یافت. عین الدوله که خود از شاهزادگان قاجار بود و هرگونه عقب‌نشینی در برابر مردم را به زیان حکومت می‌دانست، کوشید مخالفان را سرکوب کند. از جمله اقداماتی که به اشاره او انجام گرفت، این بود که حاکم تهران تعدادی از تاجران قند را به این بهانه که قند را احتکار کرده و موجب کمبود و افزایش قیمت آن شده‌اند، دستگیر کرد و مورد آزار



آیت الله شیخ فضل الله نوری (سمت راست)
و آیت الله سید عبدالله بهبهانی (سمت چپ)



آیت الله سید محمد طباطبایی

قرار داد. عین‌الدوله با چنین کارهایی می‌خواست مردم را بترساند و مانع از مخالفت آنان با حکومت شود. در اعتراض به این اقدام حکومت، بازار تهران تعطیل شد و مردم برای شنیدن سخنرانی یکی از روحانیون به نام سیدجمال واعظ در مسجدی گرد آمدند. سپس مردم تهران همراه با جمعی از روحانیون از تصمیم آیت‌الله طباطبایی در اعتراض به اقدامات حکومت، برای تحصن در مرقده حضرت عبدالعظیم استقبال و به آنجا هجرت کردند و متحصن شدند.



معنای تحصن چیست؟ و چرا مرقده حضرت عبدالعظیم به عنوان محل تحصن انتخاب شد؟

عین‌الدوله کوشید تا با تهدید و وعده، مهاجران را به شهر بازگرداند اما نتیجه‌ای نگرفت؛ سرانجام، مهاجران اعلام کردند که اگر پادشاه قاجار تقاضایشان را بپذیرد، باز خواهند گشت. مهم‌ترین تقاضاهای آنها عبارت بودند از:

- ۱- ایجاد عدالت خانه در همه شهرها برای رسیدگی به شکایت‌های مردم و برقراری عدالت
 - ۲- عمل کردن به قوانین اسلامی به‌طور دقیق و به دور از ملاحظات شخصی
 - ۳- عزل علاءالدوله از حکومت تهران
- عین‌الدوله که می‌کوشید از گسترش حرکت مردم جلوگیری کند، اعلام کرد که دولت با خواسته‌های مهاجران موافق است؛ بدین ترتیب، مهاجران به شهر بازگشتند.

مهاجرت کبرا

بعد از مهاجرت صغرا، آیت‌الله طباطبایی چند بار به مظفرالدین شاه نامه نوشت و رفتار مستبدانه عین‌الدوله و خواسته‌های مردم را به او یادآوری کرد اما این نامه‌ها یا به دست شاه نرسید و یا او به آنها توجهی نکرد. چندی بعد، هنگامی که مأموران دولتی یکی از روحانیون^۱ را دستگیر کردند، مردم با آنها درگیر شدند. در جریان این درگیری، چند نفر مجروح شدند و طلبه‌ای به نام سیدعبدالحمید نیز

۱- نام او شیخ محمد واعظ بود.

به شهادت رسید. این حادثه خشم مردم را نسبت به حکومت دامن زد^۱. رهبران مردم تصمیم گرفتند این بار در اعتراض به اقدامات دولت، به نجف و کربلا مهاجرت کنند اما بعد از ترک تهران، در قم اقامت کردند. این مهاجرت که با حضور آیت الله طباطبائی، آیت الله شیخ فضل الله نوری و آیت الله بهبهانی حمایت می‌شد، هم از نظر گستردگی و هم از نظر مسافت، مهم‌تر از مهاجرت قبل بود و به همین علت، به «مهاجرت کبرا» معروف شد.



صحنه‌ای از اجتماعات مردم در جریان انقلاب مشروطیت

انقلاب پیروز می‌شود

با رفتن عده‌ای از مردم و علمای تهران به قم، ترس و بلا تکلیفی شهر را فرا گرفت. شایعه شد که مأموران دولت قصد دارند به اجتماع مردم و نیز به علمای مهاجر، حمله کنند. این شایعات که توسط عوامل مرتبط با سفارت انگلیس، پخش می‌شد، موجب شد که عاقبت هزاران نفر برای حفظ جان خود در باغ سفارت انگلستان جمع شوند.^۲ آنها از طریق تلگراف و نامه با مهاجران و حتی علمای بزرگ مذهبی در نجف ارتباط برقرار کردند. مهم‌ترین خواسته‌های انقلابیون، برکناری عین‌الدوله صدراعظم مستبد، فراهم کردن زمینه برای بازگشت مهاجران به تهران، ایجاد عدالت‌خانه و تشکیل «دارالشورا» (مجلس نمایندگان مردم) بود. سرانجام، مظفرالدین شاه تسلیم خواسته‌های مردم شد.

۱- مردم، این اقدام سربازان حکومتی را به اقدام یزید بن معاویه در کربلا تشبیه می‌کردند. دو بیت از شعرهایی که در سوگ سیدعبدالحمید

سروده شد، چنین است:

از نو حسین کشته زجور یزید شد	عبدالحمید کشته عبدالمجید شد
بادا هزار مرتبه نزد خدا قبول	قربانی جدید تو یا ابوالرسول

۲- براساس توافق میان دولت‌ها، هیچ دولتی حق نداشت به سفارت‌خانه‌های کشورهای خارجی در کشور خود تعرض کند.



تجمع عده‌ای از مشروطه خواهان در مقابل سفارت انگلستان



عده‌ای از مردم در انتظار بازگشت مهاجران از مهاجرت کبرا

او در اولین قدم، صدراعظم مستبد (عین‌الدوله) را از کار برکنار کرد، سپس در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ فرمانی صادر کرد که به فرمان مشروطیت مشهور است. پس از صدور این فرمان، ایران در شمار کشورهای مشروطه درآمد و کمی بعد، قانون اساسی تدوین شد و مجلس شورای ملی تشکیل گردید.



تعدادی از نمایندگان اولین دوره مجلس شورای ملی



ساختمان مجلس شورای ملی (میدان بهارستان)

محمدعلی شاه و مشروطیت

پس از مرگ مظفردالدین شاه^۱، فرزندش محمدعلی میرزا به سلطنت رسید. وی پس از رسیدن به سلطنت راه مخالفت با مشروطیت را در پیش گرفت و حتی نمایندگان مجلس را به مراسم تاج‌گذاری خود دعوت نکرد. محمدعلی شاه تصمیم داشت به تدریج نظام مشروطه را از میان بردارد و بار دیگر، حکومت خودکامه پادشاهی را برقرار کند.

۱- ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ / ۱۹ دی ۱۲۸۵

به نظر شما، موافقت اولیه محمدعلی شاه با مشروطیت و مخالفت وی با آن پس از

رسیدن به سلطنت، چه دلایلی داشت؟



محمدعلی شاه و جمعی از رجال و درباریان هنگام استقرار در باغشاه

به توپ بستن مجلس و دوره استبداد صغیر

در شرایطی که اختلاف محمدعلی شاه و مشروطه خواهان شدت گرفته بود، در یکی از خیابان های تهران نارنجکی به سمت کالسکه حامل شاه پرتاب شد. محمدعلی شاه این اقدام را به مشروطه خواهان منتسب کرد و آن را بهانه ای برای سرکوب مشروطه خواهان قرار داد. سرانجام، یعنی دو سال پس از استقرار مشروطیت^۱، محمدعلی شاه با همکاری مشاوران روسی خود برنامه از بین بردن مجلسی را که مظهر مشروطیت بود، به اجرا درآورد. طرفداران مشروطیت برای مقابله با سربازان شاه و دفاع از مجلس آماده شدند اما چون اسلحه و سازماندهی لازم را نداشتند، با وجود مقاومت های



صحنه ای از ساختمان مجلس شورای ملی بعد از به توپ بسته شدن

۱- تاسبتان ۱۲۸۷ ش/ ۱۳۲۶ ق

دلیرانه شکست خوردند. مأموران شاه مجلس را به توپ بستند و تعدادی از نمایندگان مجلس از جمله آیت‌الله طباطبایی و آیت‌الله بهبهانی را به خارج از تهران تبعید کردند. شماری نیز به سفارت انگلستان پناهنده شدند. چند تن از مشروطه‌خواهان سرسخت از جمله میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل، ملک‌المتکلمین و سید جمال‌الدین واعظ نیز به دستور محمدعلی‌شاه به قتل رسیدند. بدین ترتیب، بار دیگر استبداد به جای مشروطیت نشست و این دوره که یک‌سال و یک ماه طول کشید، دوره «استبداد صغیر» نامیده شد.



باقرخان در میان جمعی از مشروطه‌خواهان تبریز

قیام ملی علیه محمدعلی‌شاه

اگرچه محمدعلی‌شاه با تعطیل کردن مجلس، در ظاهر توانست به هدف خود برسد اما مردم ایران که نمی‌خواستند دوباره حکومت استبدادی را بپذیرند، ساکت نشستند. مردم تبریز در مقابل نیروهای اعزامی از طرف محمد علی شاه، مقاومت کردند. در اصفهان نیز عشایر بختیاری و مردم شهر، تسلیم حکومت استبدادی محمدعلی شاه نشدند. در گیلان طرفداران مشروطه در شهر رشت گرد آمدند و مخالفت خود را با محمدعلی‌شاه اعلام کردند. سرانجام، مشروطه‌خواهان از گیلان و اصفهان به سوی تهران حرکت کردند. آنها با شکست نیروهای دولتی، تهران را به تصرف درآوردند^۱. محمدعلی‌شاه به سفارت روسیه پناه برد و با برچیده شدن استبداد صغیر، بار دیگر مشروطه استقرار یافت و مشروطه‌خواهان اداره امور را به دست گرفتند^۲.

۱- ۲۵ تیر ۱۲۸۸ / ۱۳۲۷ ق.

۲- رهبران فاتحان تهران عبارت بودند از:

حاج علیقلی خان بختیاری (سردار اسعد)، نجفقلی خان بختیاری (صمصام‌السلطنه)، محمدولی خان تنکابی (سپه‌دار اعظم) و یفرم خان ارمنی. به‌علاوه میرزا علی‌محمدخان تربیت، میرزا حسین‌خان کسمائی، میرزا کریم‌خان رشتی و عبدالحسین‌خان معزالسلطان (سردار محیی) نیز در فتح تهران نقش داشتند.

پادشاهی احمدشاه

بعد از پناهنده شدن محمدعلی شاه به سفارت روسیه، فاتحان تهران و سران مشروطه در میدان بهارستان تهران اجتماع بزرگی تشکیل دادند و برای اداره موقت کشور، ۲۲ نفر را به عنوان «هیئت مدیره» برگزیدند. یکی از اقدامات فاتحان تهران، انتصاب احمد میرزا، فرزند خردسال محمدعلی شاه به سلطنت بود. چون احمدشاه در هنگام انتصاب به سلطنت هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، عضدالملک رئیس ایل قاجار به نیابت سلطنت منصوب شد؛ بنابراین، احمدشاه در پنج سال اول سلطنت خود فقط اسم پادشاه را داشت و پس از آن هم به دلیل کم‌تجربگی نتوانست بر اوضاع کشور مسلط شود.



احمدشاه در جوانی

پادشاهان قاجار و دوره حکومت آنان

آقامحمدخان	(۱۱۷۶-۱۱۷۴ ش. / ۱۲۱۲-۱۲۱۰ ق.)
فتحعلی شاه	(۱۲۱۳-۱۱۷۶ ش. / ۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق.)
محمدشاه	(۱۲۲۶-۱۲۱۳ ش. / ۱۲۶۴-۱۲۵۰ ق.)
ناصرالدین شاه	(۱۲۷۴-۱۲۲۶ ش. / ۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق.)
مظفرالدین شاه	(۱۲۸۵-۱۲۷۴ ش. / ۱۳۲۴-۱۳۱۳ ق.)
محمدعلی شاه	(۱۲۸۷-۱۲۸۵ ش. / ۱۳۲۷-۱۳۲۴ ق.)
احمدشاه	(۱۳۰۴-۱۲۸۷ ش. / ۱۳۴۴-۱۳۲۷ ق.)

شهادت شیخ فضل‌الله نوری

شیخ فضل‌الله نوری در جریان مهاجرت علما به قم، در صف مشروطه خواهان بود و به قم رفت و تا زمان پیروزی مشروطیت همچنان به دفاع از آن پرداخت. او در جریان تدوین قانون اساسی و متمم آن نقش فعالی داشت؛ اصل دوم متمم قانون اساسی با پیشنهاد و اصرار وی به تصویب رسید تا گامی در جهت اسلامی کردن مصوبات مجلس شورای ملی برداشته شود. براساس این اصل می‌بایستی پنج نفر از علمای زمان بر مصوبات مجلس نظارت کنند. علمای نجف از جمله دوتن از مراجع آن زمان، مرحوم آخوند خراسانی و حاج شیخ عبدالله مازندرانی، ضمن ارسال تلگرافی از پیشنهاد مرحوم شیخ فضل‌الله حمایت کردند.

پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، شیخ فضل‌الله با مشاهده نفوذ برخی افراد غرب‌زده در مجلس و رهبری انقلاب، به مخالفت برخاست و خواستار استقرار مشروطه مشروعه شد. وی می‌گفت که انقلاب مشروطه از مواضع خود منحرف شده است و افراد مخالف اسلام در پوشش مشروطه‌خواهی قصد دارند اندیشه‌های غربی را جایگزین ارزش‌های اسلامی کنند؛ بنابراین، باید به اسلامی کردن مشروطه پرداخت. وی در یکی از نوشته‌هایش درخواست‌های خود را به‌طور مشروح منعکس کرده که خلاصه آن چنین است:

«یکی آن که در نظام‌نامه مجلس بعد از لفظ مشروطه، لفظ مشروعه نوشته شود و دیگر آن که مطابقت قوانین مجلس با شرع مقدس و مراقبت هیئتی از مجتهدین در هر عصر بر مجلس شورا بر فصول نظام‌نامه افزوده شود دیگر آن که چون نظام‌نامه اساسی مجلس را از روی قوانین دول غربی نوشته‌اند، به منظور حفظ مشروعیّت و اسلامیت آن، پاره‌ای تغییرات و اصلاحات مطابق نظر علما در آن انجام شود».

شیخ فضل‌الله با مشاهده ادامه نفوذ افراد طرفدار اندیشه‌های غربی در مجلس و احساس توطئه برای نفی اسلام و رواج فکر و فرهنگ غربی، بر مخالفت‌های خود افزود و اصولاً تصویب قانون را در چنان مجلس و نظامی به‌طور رسمی خلاف شرع اعلام کرد.

مخالفت‌های مرحوم شیخ فضل‌الله با مشروطیت و مشروطه‌خواهان تا زمان فتح تهران ادامه داشت. فاتحان تهران، بسیاری از مستبدان را به حال خود گذاشتند و حتی آنان را به مناصب دولتی گماشتند. شاه را بدون محاکمه آزاد گذاشتند تا به روسیه برود و برای او مستمری نیز تعیین کردند اما چون وجود شیخ برایشان قابل تحمل نبود، او را دستگیر و پس از یک محاکمه در دادگاه، به اعدام محکوم کردند.

جنبش مشروطه خواهی و نتایج آن

جنبش مشروطه‌خواهی موجب بیداری و آگاهی ایرانیان شد. اگر در سال‌های پیش از مشروطه تنها گروه کوچکی از نخبگان جامعه بیدار و نسبت به سرنوشت ایران حساس بودند، پیروزی نهضت مشروطیت موجب بیداری ملی (عمومی) ایرانیان شد. ادبیات و شعر سال‌های بعد از مشروطه بهترین گواه برای آگاهی از میزان بیداری عموم مردم ایران است. علاوه بر آن، نهضت مشروطیت دستاوردهای عملی و ملموسی نیز در پی داشت که برخی از آنها عبارتند از: تبدیل سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه، تشکیل مجلس شورای ملی، تدوین قانون اساسی، تشکیل هیئت دولت، گسترش مطبوعات آزاد، تشکیل

انجمن‌ها و احزاب، و اصلاحات اقتصادی (نظیر حذف خزانه سلطنتی و جلوگیری از استفاده‌های نامشروع شاهزادگان و حکام)

انقلاب مشروطه با وجود داشتن اهداف متعالی و جان‌فشانی انقلابیون اولیه در راه اهداف آن، در رسیدن به برخی از اهداف ناکام ماند. تلاش طرفداران حکومت استبدادی برای سلطه دوباره بر کشور، بروز اختلاف نظر و چند دستگی میان مشروطه‌خواهان، دخالت‌های روسیه و انگلستان در امور داخلی ایران و سرایت آتش جنگ جهانی اول به خاک ایران، از جمله عوامل ناکامی انقلاب مشروطه در رسیدن به برخی اهداف، به شمار می‌رود.

بیشتر بدانیم

تبریز، سنگر مقاومت؛ نجف، پیام‌پایداری

محمدعلی‌شاه پس از ویران کردن مجلس در تهران، در صدد سرکوب مشروطه‌خواهان تبریز برآمد؛ چرا که این شهر از کانون‌های انقلاب به‌شمار می‌رفت. این مأموریت بر عهده گروهی از نیروهای دولتی و کسانی که در شهر با مشروطیت مخالف بودند، گذاشته شد. رحیم‌خان، فرمانده این نیروها، سرکوب مشروطه‌خواهان را کاری ساده می‌انگاشت و گمان می‌کرد که با یک حمله - همانند آنچه در تهران اتفاق افتاد (در به توپ بستن مجلس) - می‌تواند انقلابیون تبریز را به تسلیم وادارد. در ظاهر نیز چنین به نظر می‌رسید؛ زیرا همه شرایط به نفع دولتیان بود. عده زیادی از مردم که اتفاقات تهران را به معنای تسلط دوباره محمدعلی‌شاه بر زندگی خود می‌دانستند، از مشروطه‌خواهی دست کشیدند و حتی بعضی از آنها به نیروهای حکومتی پیوستند؛ بنابراین، کسانی که هنوز طرفدار مشروطیت و آزادی بودند، می‌بایست سختی‌های فراوانی را تحمل کنند و برای دستیابی به آرمان‌های خود تا پای جان بایستند. قوای دولتی به دلیل برخورداری از نیروها و تجهیزات فراوان، توانستند در مدت یک ماه نخست جنگ، شکست‌های سختی بر مجاهدان وارد آورند و بیشتر قسمت‌های شهر را تصرف کنند؛ به همین دلیل، حتی بسیاری از مجاهدان ناامید و سرخورده شدند و تفنگ‌های خود را به زمین گذاشتند. در این میان، تنها عده معدودی به رهبری «ستارخان» دلاورانه در برابر نیروهای دولتی ایستادند و با مقاومت دلیرانه خود زمینه را

برای پیروزی‌های بعدی آزادی‌خواهان و سرانجام، شکست محمدعلی‌شاه فراهم ساختند. یکی از مورخان آن زمان در توصیف این وضع، چنین نوشته است:

«از ایران آذربایجان ماند، از آذربایجان تبریز، از تبریز کوی امیرخیز و از کوی امیرخیز یک کوچه که در آن ستارخان مقاومت می‌کرد، اما بعد، آن کوچه به کوی و آن کوی به شهر و شهر به ولایت و ولایت به کشور بدل شد»^۱.

با رسیدن اخبار مقاومت ستارخان و یارانش (که یکی از معروفترین آنها باقرخان بود) به تهران، محمدعلی‌شاه سپاهی را به فرماندهی عین‌الدوله برای سرکوب آنها به تبریز فرستاد اما این سپاه نیز نتوانست کاری از پیش ببرد. با وجود این که قحطی در شهر تبریز بیداد می‌کرد، مبارزان توانستند نیروهای دولتی را وادار به عقب‌نشینی کنند.

به‌راستی این حرکت انقلابی چگونه روی داد؟ چه نیرویی ستارخان و یارانش را به حرکت و مقاومت وا می‌داشت؟



ستارخان و باقرخان به همراه جمعی از مجاهدان تبریز

۱- تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی

ستارخان به پشتوانه غیرت ملی و دینی توانست این حماسه عظیم را خلق کند. او خود، بارها گفته بود که من «حکم علمای نجف را اجرا می‌کنم». حتی انگیزه بیشتر تاجرانی که به مبارزان تبریز کمک مالی می‌کردند، پیروی از دستور علما بود؛ بنابراین، بذل جان و مال و مجاهدت در راه آزادی و مشروطه انگیزه‌های دینی داشت. علمای مشروطه خواه نجف از جمله آیت‌الله خراسانی و آیت‌الله مازندرانی پس از شنیدن اخباری درباره وضع ایران، فتوای زیر را صادر کردند:

«به عموم ملت، حکم خدا را اعلام می‌داریم. الیوم، همت در دفع این سفاک جبار (یعنی محمدعلی‌شاه) از اهم واجبات و دادن مالیات به گماشتگان او، از اعظم محرّمات و بذل توجه در استحکام و استقرار مشروطیت به منزله جهاد در رکاب امام‌زمان - ارواحنا فداه - و سرمویی مخالفت و مسامحه به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت - صلوات‌الله و سلامه علیه - است».

شور انقلابی برخاسته از این دستورات مجاهدان تبریز را به پایداری بیشتر در مقابل قوای دولتی برانگیخت. آنها پس از ماه‌ها مقاومت و تحمل گرسنگی و سختی‌های بسیار، به مرور شکست‌هایی به قوای دولتی وارد آوردند و الگوی مردم سایر مناطق کشور شدند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- روند وقوع مهاجرت صغرا را از آغاز تا پایان توضیح دهید.
- ۲- علت مهاجرت کبرا چه بود؟
- ۳- مهم‌ترین خواسته‌های انقلابیون هنگام مهاجرت کبرا چه بود؟
- ۴- انقلاب مشروطه چه دستاوردهایی داشت؟

اندیشه و جست‌وجو

- درباره یکی از حوادث دوران انقلاب مشروطیت (جز آن‌چه در کتاب آمده است) مطلبی تهیه کنید.